

پیامبر اعظم (ص)

به کودکان محبت کنید و به آنها رحم کنید و هر وقت به آنها وعده دادید به آن وفا کنید، چون آنها شما را روزی رسان خود می‌دانند.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی

مدیرعامل: رضا شکیبایی

سرمدیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳
نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پایمرسان: @vatanemrooz
پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir
چاپ:ایران کهن

هشتمین نشست سران مجمع جهانی گاز فرصتی برای بازتعریف همکاری‌های انرژی تهران و مسکو

ائتلاف در مدار گاز



گروه اقتصادی: فردا سران کشورهای صادرکننده گاز در مسکو گرد هم می‌آیند. هشتمین نشست سران این مجمع قرار است سه‌شنبه ۵ آبان در پایتخت روسیه برگزار شود. این نشست ظاهرا یک رویداد دیپلماتیک است اما برای ایران می‌تواند محل تصمیمی باشد که شکل اقتصاد انرژی کشور را برای دهه‌های آینده تعیین کند. ایران زمستانی نه‌چندان راحت را پیش رو دارد و روسیه مشتریانی را که در غرب از دست داده هنوز جایگزین نکرده است. این دو کمبود مکمل یکدیگرند و مسکو، پیش از میزبانی از این نشست، میزبان نیازی مشترک است.

جنگ همیشه چهره‌ای تاریک دارد اما تاریخ اقتصاد ملت‌ها نشان داده اضطراب، گاهی دری را باز می‌کند که در روزگار آسایش دهه‌ها بسته مانده بود. بروز بحران، عادت‌های فرسوده را می‌شکنند و وابستگی‌های پنهان را آشکار می‌کند و آنچه پس از آن می‌آید، به تصمیم‌گیران بستگی دارد؛ یا از فشار روزگار، فقط برای حفظ وضع موجود تلاش می‌کنند، یا نیاز امروز را به منفعتی پایدار گره می‌زنند.

■ **ذخایری که به بخاری‌ها نمی‌رسد**

در باور عامه، کشوری که روی دریایی از گاز نشسته نباید از سرمای زمستان نگران باشد. ذخایر ایران این باور را تقویت می‌کند، چون بر پایه گزارش‌های اداره اطلاعات انرژی آمریکا نزدیک ۱۶ درصد ذخایر اثبات‌شده گاز جهان در خاک و آب‌های ایران است. ایران پس از روسیه دومین ذخایر گاز جهان را دارد و با این حال گاز وارد می‌کند.

این تناقض اما ظاهری است. گاز خفته در دل زمین به کار هیچ خانه‌ای نمی‌آید؛ باید حفاری شود، از ناخالصی جدا شود، در لوله‌های قطور فشار بگیرد و در مخزن ذخیره شود تا به کوره دویا‌ه‌ن یا بخاری خانه روستایی برسد. بزرگی ذخیره، به‌تنهایی ضامن گرمای زمستان نیست و حلقه‌های زنجیر فرآورش و انتقال است که تعیین می‌کند گاز به مصرف‌کننده برسد یا نه.

■ **کسری زمستانی**

سال‌هاست با نزدیک شدن به فصل سرما، اتاق فرمان شبکه گاز آماده هشدار است. پیش از هر ضربه بیرونی هم فاصله تولید و مصرف در روزهای اوج به ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسید. بر پایه گزارش‌های رسمی، حملات ۲۷ اسفند به پالایشگاه‌های عسقلویه حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت روزانه فرآورش را از مدار خارج کرد. کارکنان صنعت نفت با تلاش شبانه‌روزی نزدیک به ۱۰۰ میلیون مترمکعب را بازگرداندند اما حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب در روز هنوز کم است.

کمبود گاز فقط به معنای سردی خانه‌ها نیست. وقتی کارخانه سیمان یا کوره فولاد خاموش شود، دستمزد کارگر در پایان ماه معلق می‌ماند و صادرکننده‌ای که سال‌ها برای اعتبارش در بازار جهانی کار کرده، به خاطر یک محموله دیر رسیده، آن را از دست می‌دهد. نیروگاه‌ها هم به مازوت و گازوئیل رو می‌آورند؛ سوختی که حمل آن جاده‌ها را فرسوده می‌کند، ارز بیشتری می‌بلعد و هوای شهرهای بزرگ را سنگین‌تر می‌کند.

بر پایه آمار آژانس بین‌المللی انرژی، ایران در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۶۰ میلیارد مترمکعب گاز مصرف کرد و بخش بزرگ آن به خانه‌ها، نیروگاه‌ها و کارخانه‌ها رسید. مصرف بالا و ذخیره‌سازی ناکافی، بخش گاز کشور را در برابر هر تکان‌های شکننده کرده است. واردات گاز می‌تواند مسکنی موقت باشد که به متخصصان فرصت ترمیم می‌دهد اما اگر این مسکن جای درمان اصلی نبینشد، چیزی عوض نشده است.

■ **تلاطم در شریان هرمز و انزای غول گازی شمال**

رخدادهای نظامی ماه‌های اخیر بازار جهانی گاز را لرزاند. تنگه هرمز یکی از شریان‌های انرژی جهان است و بر پایه گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، پیش از این حوادث حدود یک‌پنجم ال‌ان‌جی جهان از آن می‌گذشت. وقتی صادرات قطر و امارات از آغاز جنگ علیه ایران تا اواسط تابستان در مجموع ۳ میلیارد مترمکعب کاهش یافت، قیمت‌ها جهش کرد. بهای نقدی هر میلیون واحد حرارتی در آسیا در بهار ۲۰۲۶ به ۱۷٫۵ دلار رسید، یعنی ۴۵ درصد بالاتر و در هلند و اروپا تا ۱۶ دلار بالا رفت. کارخانه‌های کود، شیمیایی و فولاد زیر فشار این هزینه ماندند و آژانس انرژی پیش‌بینی

کرد تقاضای جهانی گاز در ۲۰۲۶ حدود نیم درصد کم شود. این افت از بی‌نیازی نبود و گرانی مانع خرید شد.

در همین آشفتنگی، روسیه با وضعی روبه‌رو است که چند سال پیش تصورش دشوار بود. این کشور روزی، سالانه حدود ۱۸۰ میلیارد مترمکعب گاز لوله‌ای به اروپا می‌فرستاد و در ۲۰۲۵ این رقم تا حدود ۱۸ میلیارد فروکش کرد. چاه‌ها، لوله‌ها و ایستگاه‌های تقویت فشار همچنان سر جای خود هستند اما مشتری قدیم نیست. خط نیروی سبیری به چین بخشی از بار را برمی‌دارد اما مسیرهای تجاری ۴۰ ساله را نمی‌شود یک‌شبه جابه‌جا کرد.

■ **نیمه یک پازل**

اینجا منافع گره می‌خورد. کارخانه‌های تبریز، مشهد و رشت برای عبور از زمستان سوخت می‌خواهند و شرکت‌های روسی مسیری می‌جویند که گاز مانده در سرزمین سردسیر را به بازار تشنه برسانند. هر طرف چیزی دارد که دیگری ندارد و این ساده‌ترین شکل یک معامله پایدار است.

بنیان سیاسی کار از پیش گذاشته شده است. معاهده مشارکت راهبردی ۲۰ ساله ۲ کشور در سال ۲۰۲۵ امضا شد و پوتین همان روز گفت صادرات گاز روسیه به ایران ممکن است سرانجام به ۵۵ میلیارد مترمکعب در سال برسد اما باید با حجم‌های کوچک‌تر ۲ میلیارد مترمکعب آغاز شود. بر پایه آنچه ایران اعلام کرده، بهمن ۱۴۰۴ کمیسئون مشترک اقتصادی ۲ کشور تشکیل شد و رئیس شرکت ملی گاز از نهایی شدن چارچوب عمومی توافق با گازپروم خبر داد. نقطه اتصال، کیفیت گاز و جنبه‌های فنی روشن شده است. آنچه مانده، حساس‌ترین بخش هر معامله، یعنی قیمت و شیوه تسویه است.

۲ میلیارد مترمکعب در سال یعنی حدود ۵٫۵ میلیون مترمکعب در روز. در برابر کسری ۱۳۰ میلیون مترمکعبی کشور عددی کوچک است اما کوچک بودن به معنای بی‌اثر بودن نیست. این گاز در گلوگاه‌های شمالی وارد می‌شود، همان‌جا که سرما زودتر از هر جای دیگر بر شبکه اثر می‌گذارد و فشار انتهای خطوط را حفظ می‌کند. رسیدن به ۵۵ میلیارد مترمکعب، یعنی بیش از ۱۵۰ میلیون مترمکعب در روز داستان دیگری است؛ یعنی انرژی عظیم. این رقم را باید آرمان فازبندی‌شده دانست و فعلا باید روی دریافت همان ۲ میلیارد متمرکز شد.

مسکو بهایی می‌خواهد که هزینه زیرساخت‌هایش را توجیه

کند و ایران خریدار کالایی است که باید چرخ صنایعش را به سرفه بچرخاند. اگر گاز با قیمتی خریده شود که بهای تمام‌شده فولاد یا محصولات پتروشیمی ایران را در بازار جهانی غیرقابلیتی کند، معامله از منطق اقتصادی بیرون می‌افتد. فرمول قیمت باید پویا باشد، انعطاف فصلی داشته باشد و سازوکار پرداخت آن با در نظر گرفتن محدودیت‌های مالی بین‌المللی قابل اجرا باشد.

■ **آستارا و همسایه میانی**

روسیه و ایران مرز زمینی مشترک ندارند، بنابراین گاز باید از خاک جمهوری آذربایجان بگذرد. وزیر نفت در بهار سال گذشته از توافق بر استفاده از خطوط لوله زمینی عبوری از آذربایجان خبر داد و گفت ایران گاز را در آستارا تحویل خواهد گرفت. این یعنی قرارداد دوجانبه، عملا سه‌جانبه است. منطق جغرافیایی هم روشن است. میدان‌های بزرگ ایران در خلیج فارس صدها فرسنگ از گیلان، مازندران، اردبیل و آذربایجان فاصله دارند. رساندن گاز جنوب به شمال یخ‌زده هزینه فشرده‌سازی در ایستگاه‌های بین‌راهی و اتلاف انرژی دارد. تحویل گرفتن گاز در شمال، فشار شبکه را حفظ می‌کند و گاز جنوب را برای صنایع فلات مرکزی و استان‌های جنوبی آزاد می‌گذارد.

منافع هر سه سوی ماجرا ملموس است؛ روسیه کالا می‌فروشد، آذربایجان حق ترانزیت می‌گیرد و ایران امنیت عرضه می‌خرد. لوله‌ای که در خاک کار گذاشته شود، چند دهه سرنوشت اقتصادی کشورها را به هم گره می‌زند و تغییر مسیرش پرهزینه است. بنابراین ایران نباید به نقش گیرنده منفعل بسنده کند و باید در طراحی، ساخت و بهره‌برداری این مسیر حضور داشته باشد و سهمی روشن از مدیریت شبکه، حق ترانزیت و کار برای مهندسان و سازندگان داخلی بخواهد.

■ **موازنه هوشمند میان عشق آباد و آنکارا**

نگاه به شمال غرب نباید افق شمال شرق را از یاد برد. ترکمنستان، همسایه خاموش و پرگاز ایران بیشتر صادراتش را به چین می‌فرستد و مانند هر تاجر کارکشت‌های می‌خواهد تخم‌مرغ‌هایش را در چند سبد بگذارد. ایران کوتاه‌ترین راه ترکمنستان به آب‌های آزاد است. این همکاری سابقه دارد. سال گذشته تبادل گاز ترکمنستان به ترکیه از خاک ایران با روش سوآپ و حجم سالانه ۲ میلیارد مترمکعب آغاز شد. ایران گاز را در سرخس تحویل می‌گرفت و در بازرگان به ترکیه می‌داد اما همان جریان در همان سال با اختلاف تجاری دچار وقفه شد.

بغداد میان مقاومت و نظم آمریکایی

پیگیری خلع سلاح گروه‌های مقاومت و اعمال محدودیت بر مناسبات اقتصادی با ایران، نشانه‌ای از حرکت بغداد در مسیر سیاست‌های واشنگتن است. منتقدان زبدي همدار داده‌اند همراهی با فشارهای آمریکا علیه ایران، نه‌تنها امنیت عراق را تضمین نخواهد کرد، بلکه می‌تواند این کشور را به یکی از عرصه‌های مستقیم رویارویی منطقه‌ای تبدیل کند.

ث- **بغداد و مخاطرات نظم امنیتی جدید**

مجموعه تحولات یک سال گذشته نشان می‌دهد عراق بار دیگر به یکی از مهم‌ترین کانون‌های رقابت بر سر آینده منطقه تبدیل شده است. مخالفت آشکار واشنگتن با بازگشت مالکی، حمایت از نخست‌وزیری زیدی، نقش‌آفرینی مستقیم تام باراک، پیگیری سیاست خلع سلاح گروه‌های مقاومت، محدودسازی مسیرهای تجارت ایران، تلاش برای تقویت مناسبات با شیخ‌نشین‌های منطقه و دولت تروریست تحریرالاشام سوریه و مناقشه اخیر بر سر حریم هوایی عراق، در کنار یکدیگر تصویری از اولویت‌های ترامپ در این کشور ارائه می‌کند.

در این چارچوب، مساله عراق از یک رقابت سیاسی داخلی فراتر رفته است. تلاش برای کاهش نفوذ ایران در بغداد، محدودسازی ظرفیت نظامی گروه‌های مقاومت و تقویت دولتی هماهنگ‌تر با سیاست‌های آمریکا ذیل پروژه کلان نظم نوین منطقه‌ای تئانیاهو و ترامپ در پساہفت اکتبر قابل ارزیابی است. در چنین بستری همراهی بغداد با سیاست‌های

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶

۳۷

۳۸

۳۹

۴۰

۴۱

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵

۴۶

۴۷

۴۸

۴۹

۵۰

۵۱

۵۲

۵۳

۵۴

۵۵

۵۶

۵۷

۵۸

۵۹

۶۰

۶۱

۶۲

۶۳

۶۴

۶۵

۶۶

۶۷

۶۸

۶۹

۷۰

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

۷۶

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

۸۲

۸۳

۸۴

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

۹۲

۹۳

۹۴

۹۵

۹۶

۹۷

۹۸

۹۹

۱۰۰



مدیریت‌شده باشد؛ خرید در فصل سرما، استفاده از سوآپ و پرهیز از تعهدات بلندمدت انعطاف‌ناپذیر که قدرت چانه‌زنی کشور را گروگان بگیرد. استقلال انرژی از همین تعادل می‌آید.

■ **بزرگ‌ترین میدان گازی ایران**

اگر بازدهی مصرف داخل بالا نرود، هیچ مقدار گاز وارداتی مشکل را حل نمی‌کند. گاز تازه در کوره‌های کم‌بازده و خانه‌های بی‌عایق گم می‌شود. صرفه‌جویی ارزان‌ترین منبع گاز است و رها‌نیدن یک مترمکعب در داخل، بسیار کم‌هزینه‌تر از استخراج و انتقال آن از خلیج فارس است. اقدام شرکت ملی گاز در بستن ۱۰۹ قرارداد با شرکت‌های بهره‌وری انرژی که قرار است تا پایان ۱۴۰۵ نزدیک یک میلیارد مترمکعب صرفه‌جویی ایجاد کند جهت درست را نشان می‌دهد.

یک حساب ساده اهمیت این مسیر را نشان می‌دهد. اگر در خانه‌ها و ادارات دولتی روزانه فقط ۱۰ میلیون مترمکعب مصرف کم شود، در پایان سال ۳٫۶۵ میلیارد مترمکعب آزاد می‌شود که از محموله اولیه واردات از روسیه بیشتر است. بهسازی مشعل‌ها، عایق‌کاری استاندارد و بازار گواهی صرفه‌جویی در بورس انرژی می‌تواند شرکت‌های دانش‌بنیان و جوانان نااور را به میدان بیاورد و صرفه‌جویی را از توصیه، به کسب‌وکار سودآور تبدیل کند.

تنوع سبد انرژی هم همین‌طور؛ هر پتل خورشیدی در یزد و کرمان و هر توربین بادی در منجیل، باری از دوش شبکه گاز برمی‌دارد. جنگ نشان داد تمرکز تاسیسات در چند نقطه حساس جنوب، پاشنه‌اشیل است. پدافند غیرعامل واقعی یعنی پراکنده‌کردن منابع، ساخت مخازن ذخیره در سراسر کشور و شبکه‌ای که با قطع یک پیوند از هم نباشد.

■ **ائتلافی بر پایه سود مشترک**

مجمع کشورهای صادرکننده گاز، بر پایه آمارهای خود بخش بزرگی از ذخایر اثبات‌شده جهان و سهم قابل توجهی از صادرات را در دست دارد. برخلاف اوپک، سازوکار سهمیه‌بندی ندارد اما محل هماهنگی راهبردی و تبادل تجربه است. ایران می‌تواند در مسکو با پیشنهادهای مشخص حاضر شود. صندوق مشترک بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده، کارگروه اتصال خطوط لوله میان اعضا و روش‌های پولی جایگزین برای مبادلات، بخشی از این پیشنهادهاست. الجزایر، نجریه، مصر و عراق هم در ثبات بازار و جلوگیری از تحمیل قیمت‌های ناعادلانه با هم هم‌فکرند.

منطق این رویکرد دادوستد است. نفت و گاز اختلافات تاریخی را درمان نمی‌کند اما وابستگی متقابل می‌سازد و هزینه ماجراجویی را بالا می‌برد. همسایه‌ای که صنعتش با گاز عبوری از لوله‌های ما می‌چرخد، برای همراهی با فشار و تحریم علیه ما انگیزه کمتری دارد. این امنیتی است که بر دادوستد هوشمند تکیه دارد و نه بر دیوار و سیم خاردار.

■ **ایستگاه مسکو**

سفر رئیس‌جمهور به مسکو را نباید با خطابه‌های پرشور یا عکس‌های یادگاری به اتمام رساند. معیار موفقیت چند پرسش ساده است. نخستین محموله روسی در چه تاریخی از سال ۱۴۰۵ از آستارا وارد می‌شود؟ قیمت چند است و ارز تسویه چیست؟ پرداخت‌ها چگونه تضمین شده است؟ گام بعد، تبدیل چشم‌انداز ۵۵ میلیارد مترمکعبی به پروژه‌های فازبندی‌شده با جدول زمانی و تأمین مالی روشن است. کدام بخش خطوط قفقاز نوسازی لازم دارد؟ لوله‌ها را چه کسی تأمین می‌کند و سهم کارخانه‌ها و مهندسان ایرانی کجاست؟ طرح بزرگ بدون زمان‌بندی و تأمین مالی، به خاطره‌ای در پوשה‌های اداری تبدیل می‌شود.

در کنار مسکو، احیای مسیر عشق آباد، تحکیم تفاهم با بغداد و آنکارا و مطالعه اتصال به شرق، قطعات یک پازل‌اند و باید در یک سامانه هماهنگ دیده شوند. آنچه ایران در این لحظه به دست دارد، فرصتی نادر است. خروج از نقش صادرکننده منفرد و ورود به نقش بازیگری که در ترانزیت، توزیع و تعادل بازار گاز منطقه حرفی برای گفتن دارد. این فرصت بی‌هزینه نیست و شرطش انضباط در اجرا، شفافیت در قرارداد و اصلاح الگوی مصرف داخلی است. بحران، آزمونی تلخ اما روشننگر است و فرق ملتی که فرسوده می‌شود با ملتی که می‌بالد، در همین است که از فشار روزگار فقط حفظ وضع موجود را می‌خواهد یا معماری فردای خود را از نو می‌ریزد. پاسخ را آینده می‌دهد.

میان چهره‌های بانفوذ سیاسی و مذهبی عراق به شکل گسترده‌ای رو به فزونی است.

در چنین بستری، تداوم همراهی زبدي با سیاست‌های واشنگتن، در کنار افزایش انتقادات از سوی نیروهای مقاومت می‌تواند عراق را ابستن بحرانی جدید کند. نخست‌وزیری که با عبور از بن‌بست انتخاباتی و در سایه فشارهای خارجی به قدرت رسیده، اکنون با مجموعه‌ای از مطالبات متعارض مواجه است؛ از یک سو، واشنگتن بر محدودسازی نفوذ ایران و تغییر موقعیت گروه‌های محدود نمانده است. هادی العامری، دبیر کل سازمان بدر را تأکید بر استقلال تصمیم‌گیری بغداد، ساماندهی سلاح را مسأله‌ای کاملاً عراقی دانسته و با انتقاد از اعمال سیاست محاصره ایران با لحنی انتقادی اظهار کرد: «آیا شیعیان چارچوب هماهنگی در خصوص محاصره ایران به توافق رسیده‌اند؟! داریم به کجا می‌رویم؟!» قیس خزعلی رهبر گروه عصاب اهل حق و فراکسیون پرنفوذ صادقون نیز صراحتاً به مخالفت با پیوستن عراق به محاصره هوایی و زمینی ایران پرداخته و سیدصدرالدین قبانجی، امام جمعه نجف اشرف، ضمن انتقاد از مداخله ترامپ در امور عراق و همراهی بغداد با تحریم‌های هوایی علیه ایران، درباره پیامدهای این سیاست‌ها برای استقلال و ثبات عراق هشدار داده است. این مواضع نشان می‌دهد حساسیت‌ها نسبت به افزایش نفوذ واشنگتن در تصمیمات راهبردی بغداد، در



بخش قابل ملاحظه‌ای از آن به همکاری دولت زبدي با آمریکایی‌ها گره خورده است.

مرز طولانی ۲ کشور، گذرگاه‌های متعدد تجاری و وابستگی بازار عراق به بخشی از کالاهای ایرانی، این مسیر را به یکی از شریان‌های مهم تجارت منطقه‌ای تبدیل کرده است. ارزش بیش از ۱۰ میلیارد دلاری مبادلات سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد هر اختلال گسترده در این مسیر، بر اقتصاد ۲ کشور اثر مستقیم بر جا خواهد گذاشت. تعطیلی گذرگاه الشیب در استان میسان در چنین بستری حساسیت ویژه‌ای پیدا کرد. مقام‌های عراق دلایل فنی و لجستیکی را برای این تصمیم مطرح کردند اما همزمانی آن با تشدید فشارهای آمریکا علیه ایران، زمینه انتقاد جریان‌های نزدیک به مقاومت به عنوان جهت‌گیری دولت بغداد را فراهم کرد.

در کنار گذرگاه‌های زمینی، فرودگاه‌ها و حریم هوایی عراق نیز به یکی از عرصه‌های حساس فشار بر مناسبات تهران - بغداد تبدیل شده است. تشدید محدودیت‌های مرتبط با پروازهای ایران، دشوار شدن فعالیت برخی شرکت‌های هواپیمایی و محدودسازی خدمات و مسیرهای هوایی، در امتداد فشارهای آمریکا بر شبکه